



# کتاب هشتم دینکرد

آوانویسی، ترجمه، یادداشت و واژه‌نامه

محسن نظری فارسانی



فروهر، ۱۳۹۷

سرشناسه	: آذربایدمیدان، قرن ۹ ق.
عنوان قراردادی	: دینکرد، کتاب هشتم
عنوان و نام پدیدآور	: کتاب هشتم دینکرد آوانویسی، ترجمه، یادداشت و واژه‌نامه محسن نظری فارسانی.
مشخصات نشر	: تهران: سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۷۰۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۴۴-۲۳-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: اخلاق زردشتی — متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	: Zoroastrian ethics -- Early works to 20th century
موضوع	: اندرنامه‌های پهلوی — متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: Maxims, Pahlavi -- Early works to 20th century
شناسه افزوده	: نظری فارسانی، محسن، ۱۳۶۱ - مترجم
شناسه افزوده	: سازمان انتشارات فروهر
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ۲ ک۴/۱۳۹۵BP
رده بندی دیویی	: ۴۲/۱۷۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۵۹۲۰۴

## کتاب هشتم دینکرد آوانویسی، ترجمه، یادداشت و واژه‌نامه

محسن نظری فارسانی

طراح جلد: سیامک جمشیدی‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۴۴-۲۳-۶

همه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

تکثیر، انتشار و ذخیره‌سازی تمام یا بخشی از این اثر به هر شکل (چاپی، الکترونیکی و...) و با هر هدف بدون مجوز از ناشر، غیرقانونی و قابل پیگرد است.



مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر

نشانی: خیابان حافظ، نرسیده به چهارراه کالج، کوچه بامشاد، پلاک ۴، سازمان جوانان زرتشتی (فروهر)، تلفکس: ۸۸۸۰۹۶۶۵

مرکز پخش و فروش: خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، پلاک ۲۶۱، تلفکس: ۶۶۴۴۲۷۰۴

## فهرست

	مقدمه
۷	مؤلفان دینکرد
۹	ساختار و محتوای کتاب هشتم دینکرد
۱۰	نسخه‌های موجود از کتاب هشتم دینکرد
۳۱	پیشینه پژوهش
۳۳	روش کار در پژوهش حاضر
۳۴	آوانویسی و برگردان فارسی
۳۹	بخش مقدمه
۴۱	بخش ۱: ستودگر
۴۵	بخش ۲: ورشتمانسر
۴۶	بخش ۳: بغ
۴۷	بخش ۴: دامداد
۴۷	بخش ۵: وختر
۴۸	بخش ۶: پاژگ
۴۹	بخش ۷: رتوشتاییتی
۵۳	بخش ۸: برش
۵۴	بخش ۹: کشکیسرو
۵۶	بخش ۱۰: وشتاسپ‌ساست
۵۷	بخش ۱۱: وشتنگ
۵۸	بخش ۱۲: چهرداد
۵۸	بخش ۱۳: سپند
۶۱	بخش ۱۴: بغان یسن
۶۴	بخش ۱۵: نیگادم
۶۵	بخش ۱۶: نیگادم (زخمستان)
۶۸	بخش ۱۷: نیگادم (ریشستان)
۷۱	بخش ۱۸: نیگادم (همیمالستان)
۷۳	بخش ۱۹: نیگادم (قسمت پایانی)
۸۲	بخش ۲۰: دزد دروج تن
۱۰۶	بخش ۲۱: دزد دروج تن (آمیخته)
۱۰۹	بخش ۲۲: دزد دروج تن (پسوش‌هوروستان)
۱۱۳	بخش ۲۳: دزد دروج تن (ستورستان)
۱۱۶	بخش ۲۴: دزد دروج تن (ارجستان)
۱۱۸	

۱۱۸	بخش ۲۵: دزد دروچ تن (ارتشتارستان)
۱۲۳	بخش ۲۶: دزد دروچ تن (آمیخته)
۱۲۵	بخش ۲۷: هسپارم (هیریدستان)
۱۲۷	بخش ۲۸: هسپارم (نیرنگستان)
۱۳۰	بخش ۲۹: هسپارم (گهریگستان)
۱۳۲	بخش ۳۰: هسپارم (آمیخته)
۱۳۹	بخش ۳۱: هسپارم (دربارهٔ ور و پساخت)
۱۳۹	بخش ۳۲: هسپارم (دربارهٔ قرنطینه، درمان، و کشتن دام)
۱۴۰	بخش ۳۳: هسپارم (آمیخته)
۱۴۳	بخش ۳۴: هسپارم (دربارهٔ فرزند و فرزندخواهی)
۱۴۶	بخش ۳۵: هسپارم (دربارهٔ تملک، تصاحب، و ...)
۱۴۷	بخش ۳۶: هسپارم (قسمت پایانی)
۱۵۵	بخش ۳۷: سگادم
۱۶۶	بخش ۳۸: سگادم (اپیدگانستان)
۱۷۱	بخش ۳۹: سگادم (زهانگستان)
۱۷۲	بخش ۴۰: سگادم (وخستان)
۱۷۹	بخش ۴۱: سگادم (ورستان)
۱۸۰	بخش ۴۲: سگادم (آمیخته)
۱۸۸	بخش ۴۳: جددیوداد
۱۹۹	بخش ۴۴: هادخت
۲۰۲	بخش ۴۵: ستوت یسن
۲۰۵	نسخه بدل ها
۲۷۳	یادداشت ها
۴۳۵	پیوست ها
۴۴۱	واژه نامه
۵۸۱	متن کتاب هشتم دینکرد (چاپ مدن)
۶۹۳	منابع

مقدمه

تقدیم به

پروفسور کارلو چرتی

و

پروفسور ماریا ماتسوخ

چند معنی برای نام دینکرد، مهم‌ترین متن به زبان فارسی میانه، ذکر شده است (شکی، ۱۳۷۹: ۲۲۳-۲۲۵)، ولی «تألیف دینی» از دیگر نظرها پذیرفتنی‌تر به نظر می‌رسد. کتاب بر پایه زند اوستا تألیف شده است، از نظر تنوع مطالب بسیار غنی است، و به‌حق «دانشنامهٔ مزدیسنی» لقب گرفته است (de Menasce, 1958).

### مؤلفان دینکرد

آذرباد امیدان نام خود و آذرفرنبغ فرخزادان را به‌عنوان دو تن از مؤلفان و نویسندگان دینکرد در آخرین فصل دینکرد سوم آورده است. آذرفرنبغ فرخزادان دینمرد پرآوازهٔ زردشتی در سدهٔ سوم هجری برابر با سدهٔ نهم میلادی بوده است. چند تن از صاحب‌نظرانی که در فقه و فلسفه و کلام زردشتی رسالاتی نوشته‌اند به سخنان او استناد کرده‌اند؛ مردان فرخ اهرمزدادان<sup>۱</sup> فیلسوف و متکلم زردشتی در سدهٔ سوم هجری در کتاب ارجمند شکند گمانیگ وزار<sup>۲</sup> با القاب «پیشوای بهدینان»<sup>۳</sup> و «بزرگترین فرزانه»<sup>۴</sup> و «اشون (= پارسا، پرهیزکار)»<sup>۵</sup> (به ترتیب در فصل ۴، بند ۱۰۷؛ فصل ۹، بند ۳؛ فصل ۱۰، بندهای ۵۵-۵۶) از آذرفرنبغ یاد کرده، و سخنانش را شاهد آورده است. منوچهر، دیگر دینمرد بزرگ و نام‌آشنای زردشتی در نیمهٔ دوم سدهٔ سوم هجری، نیز در بند ۸ از پاسخ به پرسش ۸۷ آذرفرنبغ را «برترین پیشوای بهدینان» خوانده، و به فتوای

1. Mardān-Farrox ī Ohrmazd-Dādān  
2. *Skend Gumānīg Wizār*  
3. *hūdfnā pšāβāc*  
4. *ayra farzānaa*  
5. ašō

او استناد کرده است. وی در نامه نخست (فصل ۳ بند ۹) از نامه‌های سه‌گانه‌اش آذرفرنبغ فرخزادان را «برترین پیشوای بهدینان» خوانده، و گفته‌های او را شاهد آورده است (رضائی باغبیدی، ۱۳۸۴: ا.ب). دینکرد چهارم و پنجم، بخش اعظم دینکرد سوم، و روایت آذرفرنبغ فرخزادان از مهمترین آثار نخستین مؤلف دینکرد پس از اسلام است. موضوع رساله کوتاه موسوم به گجستگ/بالیس<sup>۱</sup> پاسخ‌های این مرجع زردشتی به هفت پرسش دی‌اهرمزد<sup>۲</sup> در حضور مأمون (۱۹۸-۲۱۸ هجری) است.

درباره آذرباد امیدان اطلاعات چندانی در دست نیست. در مورد زمان حیات او دو نظر متفاوت وجود دارد. دمناش معتقد است که در سده دهم میلادی می‌زیسته، و به روایت مسعودی استناد می‌کند که از موبدی همروزگار با خود (اواسط سده دهم میلادی) به نام «انماد (= ایماد = ایمید = امید)» پسر اشوهیشت نام برده است. دمناش بر آن است که آذرباد پسر این امید بوده، و در نتیجه در سده دهم میلادی زندگی می‌کرده است. از سوی دیگر، در کتاب بندهش از آذرباد امیدان به‌عنوان همروزگار زادسپرم، برادر منوچهر، نام برده شده است. همچنین مسعودی از موبدی به‌نام اسفندیار پسر آذرباد پسر انمید (= ایمید = امید) یاد کرده، که در سال ۳۲۵ هجری (برابر با ۹۳۶ میلادی) به قتل رسیده است. به احتمال زیاد این موبد پسر آذرباد امیدان است، و در نتیجه وی در سده نهم میلادی می‌زیسته است. این نظر پذیرفتنی‌تر از نظر دمناش است (تفضلی، ۱۳۸۳: ۱۳۰).

دلیل اینکه مردان فرخ در رابطه با نویسندگان دینکرد نامی از آذرباد امیدان نبرده، این است که در زمان نوشتن شکند گمانیگ وزار کار تدوین بخش‌هایی که آذرباد امیدان تدوین کرده است هنوز آغاز نشده بود، یا هنوز به در حال انجام بود و به پایان نرسیده بود (تفضلی، ۱۳۴۵: پنج). آذرباد امیدان به مطالعه و بررسی زند اوستا پرداخت و حاصل کار او کتاب‌های بسیار مهم هفتم، هشتم و نهم دینکرد بود.

### ساختار و محتوای کتاب هشتم دینکرد

کتاب هشتم دینکرد، تألیف آذرباد امیدان، از مهمترین کتاب‌های دینکرد است و در ادبیات پهلوی کتابی ویژه و منحصر به فرد به شمار می‌آید. مهارت «خلاصه‌نویسی» یک

دینمرد بزرگ است از کتابی به ارجمندی و بزرگی اوستا. اساس کار آذرباد بر «زند» بوده است (Shapira, 1998: 3-4)، و این در بند ۲ بخش مقدمه دینکرد هشتم تصریح شده است: «آنچه در حیطة این کتاب است، اقوال دین به را نوشتن [و] به آگاهی عموم رساندن، از زند است؛ اقوال دین (= اوستا) را برای آگاهی‌دهی به امت، جایز است بر اساس خود کلام دین نوشتن.» زند در دامنه معنایی «دین» قرار می‌گیرد.

در مقدمه کتاب هشتم دینکرد مطالب مهمی ذکر شده است. در بند دوم آن آمده است که این کتاب بررسی کلی کتاب دین مزدیسنی است برای آگاهی عموم، بر اساس زند. در بندهای سوم تا یازدهم موضوع سه گونه تقسیم‌بندی اعمال شده بیان شده است. «گاهانیک» و «هادگ‌مانسریگ» و «دادیک» سه بخش کلی را تشکیل می‌دهند، و هر یک در بردارنده هفت زیرمجموعه یا قسمت هستند که همان نسک‌های مختلف اوستای موجود در زمان ساسانیان باشند. هر یک از این نسک‌ها یا قسمت‌ها نیز شامل فصل‌های متعدد است. در دسته‌بندی نسک‌ها به سه بخش کلی، محتوای نسک‌ها مدّ نظر بوده است، آن هم نه به‌طور دقیق؛ از این رو منظور از نسک‌های گاهانی نسک‌هایی نیستند که در آنها لزوماً از گاهان و شرح آنها سخن رفته باشد، بلکه «گاهان» که بیشتر درباره دانش و کارهای مربوط به مینوست، و داد که بیشتر درباره دانش و کارهای مربوط به گیتی است، و هادگ‌مانسر که عمدتاً مربوط به آگاهی درباره کارهایی است که میان این دو [مقوله] است.» در بند پنجم دلیل جالب این بخش‌بندی سه‌گانه چنین ذکر شده است که در بخش گاهانیک «شرح همه دانش» آمده است، و در هادگ‌مانسریگ «روش به کار بستن دانش»، و در دادیک «عمل به دانش» آمده است. در ادامه توضیح بیشتری در این باره می‌آید؛ همچنین ← یادداشت بند چهارم از بخش مقدمه.

هر بخش در بردارنده هفت قسمت یا نسک است، و این ما را به عدد بیست و یک می‌رساند. در این دسته‌بندی نمادین، برای آن سه بخش کلی، سه بیت ذکر مقدس اهونور مدّ نظر بوده است، و برای این بیست و یک قسمت بیست و یک واژه این ذکر ارجمند؛ به این نکته در بندهای هفدهم و هجدهم مقدمه تصریح شده است. در مقدمه کتاب هشتم دینکرد دو ترتیب برای نسک‌ها ارائه شده است. ترتیب نخست در هنگام برشمردن نسک‌های متعلق به بخش‌های سه‌گانه ارائه شده است (بندهای هشتم مقدمه)، و ترتیب دوم به‌طور یکجا و با چینشی حساب‌شده (بند یازدهم مقدمه) که

اساس کار مؤلف در برشماری نسک‌ها قرار گرفته شده است. ترتیب قرارگیری نسک‌ها در این دو چینش چنین است:

ترتیب اول		ترتیب دوم	
۱	ستوت یسن	۲	ستودگر
۲	ستودگر	۳	ورشتمانسر
۳	ورشتمانسر	۴	بغ
۴	بغ	۱	دامداد
۵	وشتنگ	۲	وختر
۶	هادخت	۳	پاژگ
۷	سپند	۴	رتوشتایتنی
۱	دامداد	۵	برش
۲	وختر	۶	کشکیسرو
۳	پاژگ	۷	وشتاسپ‌ساست
۴	رتوشتایتنی	۵	وشتنگ
۵	برش	۶	چهرداد
۶	کشکیسرو	۷	سپند
۷	وشتاسپ‌ساست	۷	بغان یسن
۱	نیگادُم	۱	نیگادُم
۲	دزد دروج تن	۲	دزد دروج تن
۳	هسپارم	۳	هسپارم
۴	سگادُم	۴	سگادُم
۵	ویدیوداد	۵	ویدیوداد
۶	چهرداد	۶	هادخت
۷	بغان یسن	۱	ستوت یسن
			گاهانینگ

شاپیرا با بیان اینکه ترتیب نخست احتمالاً ترتیبی است که بر طبق یک نظم از پیش تنظیم‌شدهٔ ۲۱بخشی، و ترتیب دوم «در راستای مسیرهای اصول عبادی-جادویی» چیده شده است، این دو برشمارش را یادآور سامانهٔ برشمارش یشت‌ها و گاهان می‌داند

(Shapira, 1998: 2). همانگونه که گفته آمد، اهونور مبنای این دسته‌بندی سه‌گانه بیست و یک عددی بوده است. ذکر اهونور (Geldner, 1896: 97) چنین است:

yaḏā ahū vairiio aḏā ratuš ašāt.cīṭ hacā  
vaṅhēuš dazdā manaṅhō šīiaoḏananaṃ aṅhēuš mazdāi  
xšaḏrəmcā ahurāi ā yim drigubiiō dadaṭ vāstārəm

چنانکه پیداست نخستین و فرجامین بیت هفت واژه دارند، و بیت میانی شش واژه؛ در این صورت کل دعا بیست واژه خواهد داشت. cīṭ در بیت نخست باید یک واژه مستقل به شمار آورده شود. در این صورت، همان گونه که شاپیرا یادآوری کرده است، نخستین بیت هشت واژه دارد، دومین بیت شش واژه، و تنها بیت سوم است که هفت واژه دارد. پس تنها گروه دادیک شمار درست دارند و دو گروه دیگر یک مورد افزونی و کسری دارند (Shapira, 1998: 5).

در توجیه ترتیب دوم چند نکته را باید در نظر داشت: الف) بند ۸ مقدمه تصریح می‌کند که گرچه نسک سپند یک نسک گاهانی به شمار آمده است، ولی در اصل گاهانی نیست. ب) همچنین در بند ۱۰ مقدمه آمده است که چهارداد و بغان یسن به‌رغم محتوای غیردادیک‌شان دادیک شمرده شده‌اند. پ) بنا بر بند ۱۳ مقدمه، هر یک از بخش‌های گاهانیگ و هادگ‌مانسریگ و دادیک هم مطالب خاص خود را دارند و هم دربردارنده مطالبی از دو مقوله دیگر، و دلیل آن این است که: «در مینو گیتی است، و در گیتی مینو، و در بین هر دو هر دو.» ت) بنا بر بند ۱۴ مقدمه، آغاز نسک‌های دادیک با واسطه و شتگ گاهانی به پایان بخش هادگ‌مانسریگ پیوسته است. ث) طبق بند ۱۵ مقدمه، هادخت و ستوت یسن به پیوست ویدیوداد می‌آیند. همچنان که وست یادآور شده است (West, 1892: 40)، ترتیب این سه نسک ممکن است به‌خاطر کاربرد همیشگی آنها در مراسم مذهبی باشد، به‌طوریکه یا وندی‌داد یا هادخت در هنگام ذکر و خواندن ستوت یسن — که دربردارنده بخش عمده یسنا و ویسپرد است — بدان افزوده می‌شود. در بند نهم خسرو قبادان و ریدک نیز از این سه نسک با هم نام برده شده است. ج) طبق بند ۱۶ مقدمه، دوباره پیوستن پایان بخش دادیک به گاهان نشانه این است که «در آغاز سازماندهی به‌صورت مینوی-گاهانی محض بود؛ سرانجام نیز گیتی آن شود.»

با جمع‌بندی این مطالب می‌توان بدین نتیجه رسید که دسته‌بندی سه‌گانه هفت‌تایی یک دسته‌بندی مصنوعی است، و با اعمال جرح و تعدیل به آن دست یافته‌اند. به نظر می‌رسد که شخص یا انجمنی که نسک‌ها را به ترتیب دوم چیده است، به‌خاطر آنچه که در بند «ج» گفته آمد، ترتیب را از پایان و با مهمترین نسک گاهانی آغاز کرده است. چون ستوت‌یسن که نخستین نسک گاهانی است در پایان آورده شد، به‌خاطر پیوستگی هادخت و ویدبوداد به آن، ترتیب «ویدبوداد، هادخت، ستوت‌یسن» در پایان چیدمان پدید آمد. اکنون که پای یک نسک دادیک در میان آمد، چهار نسک کاملاً و منحصرأ دادیک بر فراز آن قرار داده شد. ماتسوخ با ریشه‌شناسی‌ای که از «نیگادُم»<sup>۱</sup> به‌معنی «پایین‌ترین» و «سگادُم»<sup>۲</sup> به‌معنی «بالا‌ترین» ارائه می‌دهد، نشان داده است که این چهار نسک با طرح و ترتیب اصلی‌شان کنار هم قرار گرفته‌اند (Macuch, 2007: 152). ترتیب دوم یک چیدمان دایره‌وار است، و بازپیوستن گیتی به مینو را نشان می‌دهد. نسک‌ها طوری چیده شده‌اند که در دو سوی نسک‌های دادیک و هادگ‌مانسریگ — خواه گروهی و خواه منفرد — یک نسک گاهانی باشد. بر فراز نسک‌های دادیک واقعی، نسک‌های مهمان قرار گرفته‌اند؛ آن یک نسک گاهانی‌شده میان دو نسک دادیک‌شده آمده است. همانگونه که گفته آمد، نخستین نسک گاهانی در پایان فهرست آمده است. در یک روند دایره‌وار دومین و سومین و چهارمین نسک‌های گاهانی بلافاصله پس از آن به‌عنوان سه نسک نخست چیدمان قرار داده شدند. دسته هادگ‌مانسریگ با همان ترتیب در پی آن آمده است. پس از این دسته می‌باید یک نسک گاهانیک قرار می‌گرفت؛ مطابق با بند «ت» وشتگ در آنجا نشانده شد. پس از وشتگ، چنانکه ذکر شد، سه نسک مهمان قرار دارند.<sup>۳</sup> در این چیدمان ترتیب «مینو، مینو-گیتی، مینو، گیتی، مینو، گیتی، مینو» را داریم. اگر سه نسک مهمان و نسک وشتگ را، که یک توالی متناوب «مینو، گیتی، مینو، گیتی» را تشکیل داده‌اند، از میان برداریم، به ترتیب «مینو، مینو-گیتی، گیتی، مینو» می‌رسیم و این همان روندی است که در جهان‌بینی زردشتی است. به نظر می‌رسد که آن توالی «مینو، گیتی، مینو، گیتی» در میانه چیدمان و بلافاصله پس از دسته هادگ‌مانسریگ برای تأکید نکته «پ» باشد. در روند

1. \*nīkātama-> nīgādom

2. \*uskātama-> sagādom

۳. برای نظرات دیگر در این رابطه ← West, 1892: 40-41; Shapira, 1998: 5-8

فرشگرد، بنا بر فصل ۴۸ *روایت پهلوی*، اوشیدر هادگ مانسریگ عمل می‌کند و اوشیدرماه دادیک؛ گرچه از عمل گاهانیک سوشیناس ذکرى به میان نیامده است، ولی مطلب چنان پیداست — به‌ویژه قربانی‌هایی که در پنج گاه انجام می‌شود — که نیاز به گفتن نبوده است.<sup>۱</sup>

موله از دیدی دیگر نیز به این سه گونه دین برنگریسته است. وی با ذکر عبارت‌هایی از کتاب‌های سوم و ششم دینکرد نشان داده است که از نظر اندیشه‌وران مزدیسنی سطح دینی مردم پیش از فرشگرد نیز در سه رتبه گاهانیک، هادگ مانسریگ و دادیک درجه‌بندی می‌شود (موله، ۱۳۹۵: ۹۵-۹۶). از میان نقل‌قول‌های او، دو عبارت از دینکرد ششم ذکر می‌شود.<sup>۲</sup> یکی عبارت شماره ۷۰ و دیگری عبارت شماره ۲۰۶:

«ایشان به این نیز چنین قائل بودند: [افراد] گاهانی را نگرانی آن‌جهانی از دروندی، و هادمانسری‌ها را نگرانی این‌جهانی از بدنامی، و افراد دادی را ترس از کیفر و زجر پادشاه از گناه می‌پاید.»

«ایشان به این نیز چنین قائل بودند: "مردم این سه گونه‌اند: یکی گاهانی، یکی هادمانسری و یکی دادی. همبستگی اشخاص گاهانی با ایزدان، و جدایی [ایشان] از دیوان و دروجان، اندازه مال [ایشان] در حد خوراک شام و صبحانه، و برای گناهی که مرتکب می‌شوند شرم و سرزنش پادافراه است. همبستگی اشخاص هادمانسری با پرهیزکاران، و جدایی [ایشان] از دروندان، و اندازه مال [ایشان] در حد کسب حلال، و برای گناهی که مرتکب می‌شوند تازیانه سروش‌چرنام [و] خرفستر کشتن و تاوان توختن (= کفاره دادن) پادافراه است. همبستگی اشخاص دادی با ایرانیان (= زردشتیان)، و جدایی [ایشان] از غیرایرانیان (= غیرزردشتیان)، اندازه مال [ایشان] در حد در<sup>۳</sup> — یعنی [هر اندازه] به‌طور قانونی می‌توان فراهم کرد — و برای گناهی که مرتکب می‌شوند زندگی کوتاه در (= توأم با) رنج<sup>۴</sup> پادافراه است.»

۱. موله شواهدی مبنی بر گاهانیک بودن دین و عمل سوشیناس از کتاب‌های هفتم و نهم دینکرد و *دادستان* دینی آورده است (موله، ۱۳۹۵: ۹۷).

۲. ترجمه‌ها از نگارنده است.

۳. «در» در اینجا معنای «توان درآمدی، دخل» دارد.

۴. در متن *روایات پهلوی* آمده است، به *روایات پهلوی* (۲) تصحیح شد. چنین به نظر می‌رسد که واژه *rōz* را خوانده‌اند، و آن را به‌صورت هزوارشی نوشته‌اند.

در روایت بهمن پونجیه نام بیست و یک نسک اوستا و واژه برابر آن در دعای اهورنور چنین است (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱/ ۳-۴): «yaθā ستودگر، ahū وهشتمه‌مانثره، vairiō بیغ، aθā دامداد، ratuš نادور، ašāθ پازون، cīθ رتشتائید، hacā برش، vanhēuš کشسروب، dazdā کشتاسپاد، mananθō داد، šīiaoθananam چدرشت، aṅhēuš سپننه، mazdāi بیان‌یشت، xšaθrēmca نیادام، ahurāi دوسروچید، ā هوسپارام، yim سکدام، drigubiō جددیوداد، dadaθ هادخت دوازده هاماسیه، vāstārēm یشت». در روایت کامه بهره و روایت نریمان هوشنگ و روایت شاپور بروچی نسک «ستود یسن»، که در روایت بهمن پونجیه با نام «یشت» آمده است، نخستین نسک و «هادخت نسک» نسک پایانی است. از این رو ترتیب نسک‌ها در این سه روایت با ترتیبی که در کتاب هشتم دینکرد و در روایت بهمن پونجیه آمده است یک شماره تفاوت دارد.

۱. ستودگر نسک (Stūdgār Nask): وست و به تبع او تاوادیا این واژه را Sūdagar خوانده‌اند، و آن را از ریشه sav- به معنی «سود بخشیدن» گرفته‌اند، و آن را «ایجادکننده سود» یا «به‌طور سودبخش انجام‌دهنده» معنی کرده‌اند (تفضلی، ۱۳۴۵: دوازده). تفضلی احتمال داده است که این واژه از ریشه sav- به معنی «نجات دادن» باشد، و آن را «نجات‌دهنده» معنی کرده است (همان: سیزده). گرچه خلاصه آن در دینکرد هشتم بسیار کلی و کوتاه است، ولی خوشبختانه ثلث نخست دینکرد نهم جزئیات بیشتری از آن در اختیار ما قرار داده است. این نسک ۲۲ فرگرد دارد و دربردارنده مطالبی از دو مقوله است؛ یکی دستورهای دینی و مطالب اخلاقی مربوط به کارهای نیک و بد و برشمردن نتایج آنها، و دیگری افسانه‌های دینی و اساطیر. از اسطوره‌هایی چون گرشاسپ و آتش، هفت فرمانروای بی‌مرگ، جمشید و ضحاک، فریدون و دیوان مازندر، کاووس، کیخسرو و وای دیرنده خدای و ... در این نسک سخن رفته بوده است (همان: سیزده - چهارده). نام و تعداد فرگردهای این نسک با دو نسک ورشت‌مانسر و بیغ نسک یکسان است، تنها مورد تمایز را ورشت‌مانسر دارد که به‌خاطر فرگرد نخست متفاوتش یک فرگرد بیشتر دارد (همان: پانزده). از دید دن شاپیرا، زند این نسک کمابیش ویژگی «انجمنی»<sup>۱</sup> و «مدراسی» دارد (Shapira, 1998: 10). در روایات پارسی درباره این نسک - که آن را به‌درستی «ستودگر» خوانده‌اند - مطلب در خور نگرشی ذکر نشده است.

۲. ورشت‌مانسر نسک (Warštmānsar Nask): همچنان که تفضلی گفته است، پاره نخست این واژه اسم مفعول از ریشه varz- به معنی «انجام دادن، کردن» است، و پاره دوم همان «مانثره، کلام و گفتار دینی». بر این پایه، معنی واژه «آنچه به عنوان کلام دینی به کار می‌رود» است. تلخیص آذرباد امیدان از این نسک بسیار کلی و کوتاه است. این نسک ۲۳ فرگردی در حقیقت تفسیری است بر گاهان همراه با عباراتی که از گاهان به پهلوی ترجمه شده‌اند؛ از این رو در این نسک مطالب بسیاری هست که در زند یسن‌ها نیز آمده است، ولی این دو یکسان نیستند، چون این نسک بر اساس تفسیری دیگر از زند موجود یسن‌ها تدوین شده است (تفضلی، ۱۳۴۵: چهارده-پانزده). فرگرد نخست این نسک با نام *aisrapāitiš*<sup>۱</sup> درباره زندگی زردشت است، و به همین خاطر یک فرگرد از نسک پیش و پس از خود بیشتر دارد (همان: پانزده). این فرگرد مطالبی فشرده دارد که چندان نظام‌مند نیستند. در این نسک افزون بر زردشت، از همسر و دختر زردشت و نیز از فرشوشتر و جاماسپ سخن رفته است. از مطالب جالب و در خور نگرش این نسک، می‌توان به ردّ باور زروانیان مبنی بر همزاد بودن هرمزد و اهریمن، اشاره به مانی، بخشی از داستان کیومرث و کشته شدن او، الهام شدن دین به جمشید و فریدون و کی‌آرش و گرشاسپ و عدم پذیرش آنها اشاره کرد (تفضلی، ۱۳۸۳: ۱۳۹). از دید شاپیرا، زند این نسک «زبان‌شناختی»<sup>۲</sup> است (Shapira, 1998: 10). روایات پارسی چیزی به دانسته‌هایمان درباره این نسک نمی‌افزایند.

۳. بغ نسک (Baγ Nask): نام این نسک به معنی «بخش» است، و ۲۲ فرگرد دارد. همچون ستودگر نسک عنوان سه فرگرد نخست آن — در ورشتمانسر نسک فرگردهای دوم تا چهارم — نام سه ذکر مهم دین زردشتی یعنی *Yaθā ahū vairiīō* و *Ašəm vohū* است (تفضلی، ۱۳۸۳: ۱۳۸). این سه فرگرد در بغ نسک، برگرفته از یسن‌های ۱۹-۲۱ است؛ سه یسنی که در دستنویس‌ها «بغان یسن» خوانده شده‌اند. تنها متن اوستایی موجود که در آن به زبان اوستایی توضیح و تفسیر یک متن اوستایی آمده است همین سه یسن است (Shapira, 1998: 10). مطالب بغ نسک عمدتاً توضیحاتی درباره مسائل اعتقادی دین زردشتی است، و به زند یسن‌ها شبیه است

۱. برگردان واژه *aθrapaitiš* اوستایی است به معنی «هیربد» (تفضلی، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

(تفضلی، ۱۳۸۳: ۱۴۰). بقیهٔ بغ نسک که اکنون در دست نیست احتمالاً دربردارندهٔ تفسیری بوده است دربارهٔ گاهان و دربارهٔ ذکر *Ā airiīōmā išīiō*. از این رو ما امروزه تنها بخش آغازین این نسک را داریم و بخش میانی و پایانی آن مفقود است (Shapira, 1998: 10). تنها نکتهٔ قابل ذکر در رابطه با این نسک در روایات پارسی این است که شمار فرگردهای آن را ۲۱ ذکر کرده‌اند (اونوالا، ۱۹۲۲: ۴/۱).

۴. دامداد نسک (Dāmdād Nask): نام این نسک از صورت اوستایی *\*dāmi-dāti* به معنای «آفرینش آفرینش»، یا از عبارت پهلوی *dām dād* به معنی «مخلوقات را آفرید» آمده است. معنی این نسک با معنی نسک «چهرداد» نزدیک است، ولی این دامداد نسک، و نه چهرداد نسک، است که دربارهٔ «وجود، نژاد، نوع، ذات، کار و اقسام آنها» سخن می‌گوید. هر دو نسک دربارهٔ آفرینش هستند اما به نظر می‌رسد که دامداد نسک تأمل و تأکید بیشتری بر «مینوگیتی» داشته است. دامداد نسک اسطورهٔ آفرینش زردشتی را بازمی‌گفته، درحالی‌که چهرداد نسک بیشتر نگاهی فرجام‌نگرانه داشته است. دامداد نسک به «دلیل آفرینش و سرنوشت پایانی» و «روش و ابزار غلبه کردن و نابود کردن آن (= بدی)، و نجات و رهایی مخلوقات از آن» می‌پرداخته است. چهرداد نسک نیز برخی از این موضوعات را در بر داشته، اما در مقیاس کمتر. به‌طور کلی، ویژگی «آیینی» دامداد نسک را می‌توان در گرایش آن به بازگفت گونهٔ «کلاسیک» اسطورهٔ اصلی و بنیادین دین زردشتی دید (Shapira, 1998: 11-12). از این روست که این نسک را از منابع اصلی متن‌هایی چون بندهش و گزیده‌های زادسپرم برمی‌شمرند (تفضلی، ۱۳۸۳: ۱۴۳ و ۱۴۶). در روایات پارسی نام این نسک «دوازده هاماست» ذکر شده است، و آن را دارای ۳۲ کرده دانسته‌اند (اونوالا، ۱۹۲۲: ۴/۱ و ۵). مطالب این روایت دربارهٔ این نسک با مطالبی که در کتاب هشتم دینکرد آمده است همخوانی دارد.

۵. وختر نسک (Waxtar Nask): خوانش و معنی نام این نسک مشخص نیست، و نظرات تنها از روی حدس و گمان است. وست Waxtar یا Waxtwar\* (به معنی «زمان، سرنوشت، تقدیر») یا Nādar را ارائه کرده است، و تاوادی آن را Naxtar خوانده (از *naksatra-* سنسکریت) و «صورت فلکی» معنی کرده، و چرتی Nāxtar\* را پیشنهاد کرده است (Shapira, 1998: 12). نظر کانترا به نظر درست می‌آید که با

توجه به واژه اوستایی *vaxədra-* به معنی «زبان»، واژه را *Waxtar* خوانده است (Cantera, 1998: xvi). در روایات پارسی موضوع این نسک نجوم و احوال کواکب دانسته شده، و متشکل از ۳۵ کرده. روایت کامه بهره و روایت شاپور بروچی بسیار به هم شبیه‌اند، ولی مطلب مشترک این دو روایت در روایت شاپور بروچی بهتر ضبط شده است (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱/ ۱۰): «نسک ششم نامش نادر است و آن سی و پنج صورت است در نجوم و طیب (؟) و حیوت (= هیأت) فلک و صفت کواکب که کدام سعدند و کدام نحس‌اند، و در ترتیب علوم و فعل هر یک آنچه در علوی سخن گویند و آنچه بدین ماند. و کتاب را جدا کرده‌اند از کتابی که نامش در عرب «بوفتال» بود و به پارسی نام آن کتاب «فوامیجان»<sup>۱</sup> یعنی «از او متأخران را تعلیم بود». به اعتقاد شاپیرا (Shapira, 1998: 13) «سخت می‌توان باور کرد که در زمان متأخری چون اواخر ساسانیان متنی علمی به زبان اوستایی نوشته شده باشد. به نظر می‌رسد که مطالب این نسک علمی نبوده است. از متن اوستایی آن هنوز استفاده می‌شده، درحالی‌که زند آن از میان رفته بوده است.» با این حال، نباید درستی آنچه را که روایات پارسی درباره محتوای این نسک آورده‌اند تماماً منتفی دانست. همچنین در دینکرد هشتم درباره این نسک آمده است:

*Waxtar Zand ō amā nē paywast, Abestāg čiyōn pad dastwarīh andar  
+ frēstag pad čāšišn ōšmurišn ēzišn (M. 682) dāšt ēstēd.*

«زند و ختر [نسک] به ما نرسید؛ [متن] اوستایی [آن] چون در اختیار است، فرستاده برای آموزش، بررسی [و] نیایش نگاه داشته است.»

۶. پاژگ نسک (*Pāžag Nask*): در روایات پارسی نام این نسک «پاجم» است، و گفته شده است که ۲۲ کرده دارد (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱/ ۱۰). خلاصه‌ای که روایت‌های پارسی از این نسک ارائه کرده‌اند، تلخیص ناکامل خلاصه‌ای است که در کتاب هشتم دینکرد آمده است. این نسک مطالب متنوعی داشته است، از شیوه کشتن چارپایان و اختصاص اندام‌های چارپای قربانی به ایزدان، تا گاهنبار و مکان و سالاری این مراسم، و فروردیگان و بحث‌های تقویمی، و چند موضوع حقوقی، و ... شاپیرا بر آن است که در چند بند از خلاصه این نسک در کتاب هشتم دینکرد، اطلاعات ارزشمندی درباره حیات دینی ایرانیان در اواخر دوره ساسانیان ذکر شده است (Shapira, 1998: 14). از نظر

او، نکته جالب توجه درباره این نسک این است که دربردارنده مطالبی است که در زمان ساسانیان بدان پیوست شده است. این مطلب اهمیت تاریخی دارد، و نشان می‌دهد که اوستای موجود در اواخر دوره ساسانیان کمابیش تألیفی بوده است فراهم آمده از مطالب با قدمت نه‌چندان زیاد (Ibid: 14-15). در پذیرش این سخن باید احتیاط کرد.

۷. رتوشتایتی نسک (Ratūštāyti Nask): در روایت کامه بهره نام این نسک «رتشتای» ذکر شده است. پنجاه کرده داشته، ولی پس از اسکندر تنها ۱۳ کرده از آن بازماند (اونوالا، ۱۹۲۲: ۵/۱). خلاصه روایات پارسی از این نسک همسانی چندانی با خلاصه کتاب هشتم دینکرد ندارد. وست احتمال داده است که معنی نام این نسک «مربوط به عادات رد» باشد (West, 1892: 19). آلبرتو کانترا با قید احتمال صورت اوستایی آن را \*raθβiiō.yaštāt\* پیش نهاده است (Cantera, 1998: xvi). در این نسک مطالبی از تاریخ اساطیری و فرمانروای هفت کشور آمده بوده است، و مطالبی درباره ردپساک و سالار آن، و نیز طرز استقرار امشاسپندان و در رابطه با آن طرز قرارگیری و خویشکاری زوت‌ها و راسپی‌ها در مراسم یزش. شاپیرا بر آن است که مطالب آن با مطالب هیریدستان بسیار شبیه است. به نظر او این نسک را می‌توان از عصری دانست که قدرت ایرانیان گسترش یافته بود، فراتر از آنچه که به‌طور سنتی آن را «خونیره» می‌نامند (Shapira, 1998: 15).

۸. برش نسک (Bariš Nask): در روایت کامه بهره آمده است که این نسک شصت کرده داشته، و پس از اسکندر تنها دوازده کرده از آن بازماند (اونوالا، ۱۹۲۲: ۵/۱). کانترا واژه را brāh خوانده، و احتمال داده است که از -brāzā اوستایی گرفته شده باشد. وی بر آن است که اگر واژه را brēh بخوانیم احتمالاً برگرفته از \*briθβa\* اوستایی است (Cantera, 1998: xvi). با خلاصه‌ای که در دینکرد هشتم آمده، احتمال داده‌اند که این نسک منبع عمده کتاب ششم دینکرد بوده است (میرفخرایی، ۱۳۹۳: ۷). شاپیرا این احتمال را مطرح کرده است که این نسک یکی از منابع مینوی خرد و پرسش‌نیها بوده باشد، و شاید برخی از نقل‌قول‌های اوستایی در وندیداد پهلوی نیز برگرفته از آن باشد (Shapira, 1998: 16).

۹. کشکیسرو نسک (Kaškaysraw Nask): طبق روایات پارسی، پس از نکبت اسکندر تنها پانزده کرده از شصت کرده این نسک را بازیافتند (اونوالا، ۱۹۲۲: ۸/۱).

وست بخش دوم این نام را *sraw* به معنی «سخن، بیان، سرود» می‌داند (West, 1892: 23)، و به نظر می‌رسد حق با اوست. شاپیرا بر آن است که مطالب این نسک شبیه یشت‌ها بوده است، و نیز شبیه تألیقاتی که بر اساس آنها و با درونمایه «مکاشفه‌ای»، همچون زند بهمن یسن، تألیف شده بوده است (Shapira, 1998: 16). شاپیرا از *daxšag ud nišān* در بند دوم خلاصه این نسک در کتاب هشتم دینکرد «پیشگویی نجومی» را استنباط کرده است (Idem).

۱۰. وشتاسپ‌ساست نسک (*Wištāsp-sāst Nask*): گاه ذهن به خلط نسک وشتاسپ‌ساست با متن متأخر ملقب به وشتاسپ یشت می‌گردید. وشتاسپ یشت هیچ رابطه‌ای با مجموعه یشت‌ها ندارد. تألیفی متأخر است و از لحاظ دستوری ایراد زیادی دارد، و از منابع گوناگون تدوین شده است، احتمالاً در زمان اشکانیان یا ساسانیان (Ibid: 17). شاپیرا بر آن است که تحریر پهلوی این متن به پهلوی متقدم نوشته شده است. وی می‌افزاید که پهلوی کهن و اوستایی متأخر این متن نشان از آن دارد که هر دو در یک زمان نوشته شده‌اند (Ibid: 18). از سوی دیگر دکتر تفضلی ترجمه پهلوی این متن اوستایی را متأخر دانسته است (تفضلی، ۱۳۸۳: ۶۴). در روایات پارسی آمده است که این نسک شصت کرده داشته و پس از نکبت اسکندر تنها ده کرده (یا به روایت شاپور بروچی هشت کرده) از آن بازماند (اونوالا، ۱۹۲۲: ۶/۱ و ۱۱). وست دریافت که هشت فرگرد وشتاسپ یشت منظور است. ابهام میان این دو متن از اینجا آغاز شد. بی‌گمان این اشتباهی بوده از جانب مؤلفان روایت چون این نسک را سخت بتوان با این متن یکی دانست. موله احتمال داده است که وشتاسپ یشت جرح و تعدیل و تنظیمی «آیینی-مذهبی» از برخی مطالب وشتاسپ‌ساست باشد. گرویدن گشتاسپ نه در متن اوستایی وشتاسپ یشت آمده است و نه در متن پهلوی آن، اما یکی از درونمایه‌های اصلی دینکرد هفتم است. از آنجا که خلاصه‌ای که در کتاب هشتم دینکرد از وشتاسپ‌ساست آمده است همه ویژگی‌های اصلی کتاب هفتم دینکرد را داراست و با مطالب وشتاسپ یشت مطابقت ندارد جز تشابهی دور و مبهم، موله نتیجه گرفته است که وشتاسپ‌ساست و وشتاسپ یشت یکی نیستند (Shapira, 1998: 19)، و این وشتاسپ‌ساست است که به‌عنوان منبع کمکی سپند نسک — در خصوص گروه گشتاسپ — در کتاب هفتم دینکرد نقل شده است (موله، ۱۳۹۵: ۳۱۵).

۱۱. وشتگ نسک (Waštāg Nask): در روایات پارسی نام این نسک به صورت «خشت» ضبط شده، و آمده است که ۲۲ کرده داشته است. معرفت به خدا، ایمان به پیامبری زردشت، فرمانبرداری از شاهان، ثواب و عقاب نیکوکاران و بدکاران، عمارت و زراعت، و چهار طبقه اجتماع از موضوعاتی است که روایات پارسی برای این نسک ذکر کرده‌اند (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱۱/۱). نه متن اوستایی این نسک بر جای مانده بود و نه زند آن:

Waštāg<sup>1</sup> Abestāg Zand pad dastwar ō amā nē paywast.

«اوستا [و] زند [رساله] وشتگ به وسیله دستور به ما نرسید.»

۱۲. چهارداد نسک (Čihrdād Nask): نام این نسک بازمانده - \*čiθrō.dāti به معنی «برقراری اصل‌ها، استقرار منشئات» است. در این نسک تاریخ اساطیری ایران از کیومرث تا پایان سلسله کیانیان، و در ادامه تاریخ واقعی تا سلسله ساسانیان آمده بوده است. بر این پایه می‌توان گفت که این نسک منبع اصلی خداینامه‌ها و شاهنامه‌ها بوده است. بی‌گمان مؤلفان برخی کتاب‌های پهلوی به‌ویژه بندهش نیز از این نسک بهره فراوان برده‌اند. آنچه امروز از تاریخ اساطیری ایران می‌دانیم عمدتاً برگرفته از این نسک پرآوازه است (Shapira, 1998: 20). این نسک در ادوار مختلف باید نسکی بسیار محبوب و مردم‌پسند بوده باشد، و عجیب است که بر جای نمانده است. احتمالاً این نسک مطالبی درباره تاریخ دیگر اقوام غیرایرانی همچون یونانیان، یهودیان، هندیان و ... از دیدگاه زردشتیان در بر داشته است، چون در بند سوم خلاصه این نسک آمده است که برای هر قومی پیامبری فرستاده شد. گویا منظور از این فرستادگان، پیامبران پیش از اسلام است که قرآن و مانی از آنها سخن گفته‌اند (Ibid: 20-21). شاپیرا بر آن است که مطالب ضدیهودی در دینکرد و ضد غیرمزدیستان در رساله موسوم به شکندگمانیگ وزار برگرفته از این نسک بوده است (Ibid: 21). در روایات پارسی نام این نسک «جرشت» ذکر شده، و خلاصه‌ای تقریباً بی‌ربط از آن ارائه شده است. در این روایات جای این نسک با نسک سپند عوض شده است (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱۱/۱).

۱۳. سپند نسک (Spand Nask): همسانی‌های ویژه متعددی میان خلاصه این نسک در کتاب هشتم دینکرد با کتاب مبسوط دینکرد هفتم وجود دارد، اما موارد ناهمسان هم هست. همچنان که موله گفته است (موله، ۱۳۹۵: ۳۱۵): «تفاوت‌های میان این دو متن نادیده‌گرفتنی نیست، و ثابت می‌کند که روایت کتاب هفتم دقیقاً

روایت سپند نیست». این نسک در بردارنده سامانمندترین و دقیق‌ترین روایت اسطوره‌ای و نیمه‌تاریخی از زندگی زردشت بوده است، از هنگام پیش از زایش تا مرگ. با ذکر رویدادهای زمان سه پسر آخرالزمانی زردشت، مطالب رستاخیزی نیز در این نسک بیان شده بوده است (همان: ۳۱۱). در روایات پارسی این نسک دارای شصت کرده ذکر شده است (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱۱/۱).

۱۴. بغان یسن نسک (Bayān-yasn Nask): واژه Bayān در این نام به معنی «خدایان» است، درحالیکه Bay در «بغ نسک» به معنی «بخش، قسمت» است. به طور کلی چنین گمان می‌رود که دست‌کم برخی از یشت‌های معروف به‌اضافه «هوم یشت» (یسن‌های ۹-۱۱) و «سروش یشت» (یسن ۵۷) متعلق به این نسک بوده‌اند، درحالیکه هسته اصلی یسن‌ها متعلق به «ستود یسن» است. به گفته دابار، یشت‌ها بخشی از این نسک را تشکیل می‌دهند (Shapira, 1998: 26-27). طبق روایات پارسی این نسک ۱۷ بخش داشته است (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱۱/۱). دستنویس کهن F شش یشت پایانی (یشت‌های ۱۴ تا ۱۹) را یشت‌های ۱۱ تا ۱۶ برمی‌شمرد، و شاید این بر اساس سنتی کهن باشد (Shapira, 1998: 27).

۱۵. نیگادُم نسک (Nīgādom Nask): یکی از چهار نسک کاملاً دادیکی است که از قانون مدنی و جزایی سخن گفته بوده است؛ چهار نسکی که بسیار مفصل‌تر از دیگر نسک‌ها بدان‌ها پرداخته شده است و با جزئیات بیشتری تلخیص شده‌اند. به تصریح کتاب هشتم دینکرد در بردارنده ۳۰ فرگرد بوده است، ولی روایات پارسی آن را «نیارم» خوانده‌اند و دارای ۵۴ کرده گفته‌اند (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱۰/۱). آذرباد امیدان از چهار بخش «پیکاردستان (Pahikār-radestān)، زخمستان (Zaxmestān)، ریشستان (Rēšestān) و همیمالستان (Hamēmālestān)» نام برده، و به‌طور جداگانه خلاصه‌ای از آنها ارائه داده است. ۲۶ بخش دیگر در یک گفتار طولانی با عنوان «آمیخته» به صورت یکجا تلخیص شده‌اند. موضوع این نسک عمدتاً درباره نزع فردی و دسته‌جمعی است، و زخم‌هایی که در این نزاع‌ها به افراد وارد می‌شده، و تاوان آنها و دادگاه‌هایی که در این خصوص برگزار می‌شده است، و همچنین دعاوی حقوقی در زمینه‌های مختلف.

۱۶. دزد دروج تن نسک (Duzz druz tan Nask): نام این نسک را Duzd-Sar- Nizad خوانده‌اند. وست آن را «سر فروکوفته دزد» معنی کرده، و بر آن است که این

نام از مطالب نخستین بخش یا از نخستین واژه‌های نسک برگرفته شده است ( West, 1892: 74). در روایات پارسی نام این نسک «دواسرنجد» و «دواسروجد» و «دواسروی» است، و دارای ۶۰ کرده (اونوالا، ۱۹۲۲: ۷/۱ و ۹ و ۱۲). نام این نسک به خط پهلوی **𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮** است، و خلاصه مطالب آن از بخش بیستم کتاب هشتم دینکرد آغاز شده است. در نخستین بند این بخش، صورت هزوارشی **𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮** برای واژه «دزد» آمده است، و در بند پنجم دو واژه **𐭥𐭮𐭥𐭮 𐭥𐭮𐭥𐭮** کنار هم به کار رفته‌اند. پس تا اینجا قرائت **duzz druz tan** را داریم، ولی دو نویسه پایانی مشکل‌ساز است. احتمالاً بخش پایانی واژه در اصل **tan** بوده است، و **duzz druz tan** صورت اصلی واژه. اگر این حدس درست باشد، صورت اوستایی آن (مثلاً در حالت مفعولی) **\*tāiium drujim tanūm** بوده است. این سه واژه احتمالاً نخستین واژه‌های این نسک بوده‌اند.

این نسک هجده بخش داشته ولی تنها نام چهار بخش «پسوش‌هوروستان (**Pasušhōrwestān**)، ستورستان (**Stōrestān**)، ارjestān (**Arjestān**) و ارتشتارستان (**Artēštārestān**)» ذکر شده است. از این چهار بخش، بخش نخست درباره سگ گله و دامدار و چوپان، بخش دوم درباره وارد آوردن ضربه به دام‌ها و تاوان انواع ضربه، بخش سوم درباره ارزش مال جاندار و غیرجاندار، و بخش چهارم درباره ارتش و جنگ است. قسمت نخست آن بدون ذکر نام و دیگر قسمت‌ها با عنوان «آمیخته» و به‌طور گروهی تلخیص شده‌اند. در این روایات جای این نسک با نسک «هسپارم» عوض شده است.

۱۷. هسپارم نسک (**Huspāram Nask**): از سی بخش این نسک، دو بخش هیربدستان و نیرنگستان باقی مانده است. طبق نظر هومباخ، متن موجود هیربدستان بیانگر یادداشت‌های یک طلبه علوم دینی است از سخنرانی‌هایی درباره مسائل قوانین دین رسمی که با نقل قول‌های اوستایی آغاز می‌شده است، یعنی آنچه در دوره پس از اسلام با نام مجالس و امالی معروف است. وی این حدس را راهکاری برای توجیه اوضاع بسیار ضعیف و اسفبار متن می‌داند (Humbach, 1990: 9). از سوی دیگر، کرینبروک و کوتوال هشدار داده‌اند که این متن را نباید تألیف‌شده در دوران متأخر و در زمان افول کاربرد و دانش زبان اوستایی دانست (Kotwal and Kreyenbroek, 1992: 19). تحصیلات و مطالعات هیربدی و خویشکاری‌های هیربدان موضوع این رساله است. از سوی دیگر، موضوع نیرنگستان شرح قوانین آیین‌های دینی است. به‌جز این دو بخش،

تنها بخشی که نام برده شده است گهریگستان (Guhrīgēstān) است، دربارهٔ داد و ستد و خرید و فروش و معامله و مسائل مربوط به بدن. در بند ۴ از فصل ۲۸ گزیده‌های زادسپرم Jōrdā-Kārestān یکی از بخش‌های این نسک دانسته شده است (Gignoux, 1993: 92 and Tafazzoli). دیگر بخش‌های کوتاه و بلند این نسک موضوعات متنوعی را در بر دارند، از جمله گناهایی که ممکن است در رابطه با زنان انجام شود، شیوهٔ صدور حکم قاضیان، کشاورزی، تاوان درجات گناه، انواع ور، سگ هار و چگونگی رفتار با آن، ازدواج، نفقه، گناه آزار آتش و آب و زمین، جماع و مسائل مربوط به بدن، تملک، ارث، پزشک و پزشکی.

۱۸. سگادُم نسک (Sagādom Nask): چهارمین و فرجامین نسک حقوقی اوستا بوده است. تنها از چهار بخش آن نام رفته است؛ اپیدگانستان (Apēdagānestān) دربارهٔ اموال جاندار و غیرجاندار گمشده، زهانگستان (Zahānagēstān) دربارهٔ ثمره‌دهی و باردهی اموال، و خشستان (Waxšestān) دربارهٔ سود و بهره و مسائل مربوط به آن، و ورستان (Warestān) دربارهٔ آزمایش دینی ور و تبرئه شدن و محکوم شدن از طریق آن. قسمت نخست خلاصهٔ ارائه شده در دینکرد هشتم از این نسک دربردارندهٔ مطالب گوناگونی است، و مشخصاً چند فرگرد به‌طور گروهی در بخش نخست و پایانی آن تلخیص شده‌اند. در قسمت نخست موضوعاتی چون «سن تکلیف، شک در درستی یا نادرستی کار، آتش، نوزاد، مراقبت از ظروف، پیرایشگر و محل کار و ابزار او، راه اسب، جماع، بافتن کستی، حرکت لشکر، گردآوری هیزم و علوفه، قیومت، بریدن درخت، لباس شستن، انواع آبراهه و سد و نوع گذر از آب، بیماری دام، چیدن گیاه دارویی و ...» مطرح شده است. در قسمت پایانی نیز که عنوان «آمیخته» دارد چندین موضوع مختلف از جمله «چند مسئلهٔ حقوقی، شوهر دادن دختر، ارث، هبه، گناهان بزرگ، انواع انسان پارسا، پاسداشت آب و آتش، نذر، کشتن موجودات زیانکار، کارهایی که به دیوان قوت می‌بخشد، مهمان‌نوازی و ...» ذکر شده است.

۱۹. ویدبوداد نسک (Juddēwdād Nask): تنها نسکی است که متن اوستایی و زند آن به‌طور کامل بازمانده است، و پژوهش‌های بسیار خوبی در رابطه با آن انجام شده است. نکته‌ای که ماتسوخ بدان توجه کرده است، قرارگیری این نسک در هر دو فهرست ارائه شده در کتاب هشتم دینکرد است (Macuch, 2007: 154-155): «این نسک

بیزون از چارچوب چهار نسک حقوقی قرار دارد. این امر می‌تواند از خاستگاهی کهن نشأت گرفته باشد، چون دو نوع قانون مجزاً در اوستا مشخص شده است، یکی *dāta-vidaēua-dātəm yim* و دیگری *dāta- zaraθuštri- vīdōiiūm zaraθuštri*<sup>۱</sup>. در بند ۲۵ فرگرد ۵ *vīdōiiūm zaraθuštri* توضیحی<sup>۱</sup> در بند ۲۵ فرگرد ۵ *vīdōiiūm zaraθuštri* می‌خوانیم: «این قانون زردشتی (امر می‌کند به) گسست از دیوان.»<sup>۲</sup> این عبارت در پهلوی به *dād ī jud-dēw ī Zardušt* ترجمه شده، و چنین تفسیر شده است:

... ast kē ēn pad nasuš ud ān pad Nīgādom pad wizīr ud dādwarīh ud ān ī pad Huspārom pad nērang ī yazīšn gōwēd.

«[مفسّری] هست که می‌گوید: این [قانون (یعنی وندیداد)] دربارهٔ نوش و آن [قانون] در نیگادام [نسک] دربارهٔ احکام و قضاوت‌های [حقوقی]، و آن [قانون] در هُسپارم دربارهٔ نیرنگ یزش گوید.»

این بند نشان می‌دهد که مفسّر لازم دیده است که دو نوع قانون را از هم بازشناساند. وندیداد را، که عمدتاً در رابطه با قوانین و آداب طهارت است، از مطالب حقوقی ذکرشده در نیگادام و مطالب مربوط به آیین‌های دینی در هُسپارم جدا کرده است. شاهد دیگری که نشان می‌دهد وندیداد متعلق به جنبه‌ای متفاوت از متون قانونی-حقوقی است، بند دوم از بخش ۲۸ گزیده‌های زادسپرم:

*dād-iz ō dō, ēk dād ī jud-dēw ī ast Wīdēwdād ud ēk dād ī Zardušt ī ast abārīg dād.*

«قانون نیز به دو [گونه است]، یکی قانون اجتناب از دیوان که ویدیوداد است، یکی قانون زردشت که دیگر قوانین هستند.»

جداسازی متن‌های مربوط به طهارت از متن‌های با موضوع حقوقی مطابق با تقسیم گناهان به دو گروه «گناه نسبت به روان» (*wināh ī ruwānīg*) و «گناه نسبت به دیگران» (*wināh ī hamēmālān*) است.<sup>۳</sup> پیداست که هر یک از این دو مقوله مجموعه قوانین خاص خود را می‌طلبد. ریشه‌شناسی ذکرشده برای دو نسک حقوقی نیگادام و سگادام و ترتیب نسک‌های دادیک نیز دو گونه بودن قانون را نشان می‌دهد.»

۱. این دو اصطلاح در اوستا مترادفند؛ در سنت بعدی به دو نوع قانون تفسیر شده‌اند.

۲. ترجمهٔ ماتسوخ درست نمی‌نماید؛ ترجمهٔ عبارت «داد (= قانون) زردشتی مخالف دیو» است.

۳. بنگرید به بخش ۲۵ کتاب فرهنگ اویم.

۲۰. هادخت نسک (Hādōxt Nask): در روایات پارسی آمده است که این نسک دربردارنده ۳۰ کرده بوده (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱/۱۲)، ولی مؤلف کتاب هشتم دینکرد آن را دربردارنده ۱۳۳ کرده در سه بخش دانسته است. به گفته او ۱۳ پاره نخست درباره اهنور، بیست و یک ردی، کارهایی که در هر گاه شبانه روز باید انجام داد، گناه سهل انگاری و عدم رعایت ضوابط در آیین‌های مذهبی، واج، پنج گاه ستایش، خشنود کردن ایزدان، هوشیاری و آگاهی کامل در انجام فضایل و دوری از رذایل و ... است؛ ۱۰۲ پاره دوم درباره خویشکاری گیتیگ و مینوی پادشاهان، جنگاوران و روحانیان است؛ ۱۹ پاره پایانی نیز درباره «درمان باور (= ایمان)» است.<sup>۱</sup> رساله‌ای که امروزه به‌عنوان هادخت هادخت نسک در اختیار داریم<sup>۲</sup> از دو بخش جداگانه و متفاوت تشکیل شده است؛ بخش نخست درباره دعای «اشم وهو» و تأثیر و کارایی آن است، بخش دوم از سرگذشت روان پس از مرگ سخن می‌گوید. هادخت نسک رد نسک‌هاست.

۲۱. ستوت‌یسن نسک (Stūd-yasn Nask): واپسین نسک اوستای ساسانی و نخستین نسک در فهرست روایت‌های پارسی با نام «ستودگر یشت» و «ستود یشت» و «ستویشت» (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱/۴ و ۸ و ۹). موله ستوت‌یسن را چنین معرفی کرده است (موله، ۱۳۹۵: ۹۱): «ستودیشت خود متن گاهان را در بر می‌گیرد، اما به معنی دقیق سخن کتابی نیایش‌سرایانه است. این قسمت مرکزی یسناست». بند نخست فصل ۱۳ کتاب شایست نشایست عبارت *vīsāi vē aməšā spəntā* در بند نخست یسن ۱۴ را آغاز این نسک برشمرده است (مزداپور، ۱۳۶۹: ۱۷۷). وست قول روایت‌های پارسی را مبنی بر ۳۳ هات بودن این نسک پذیرفته است (West, 1892: 169).

آلموت هینتسه مطالب جالبی را درباره ستوت‌یسن مطرح کرده است (هینتسه، ۱۳۸۹: ۶۹-۷۰): «ساختار یسن‌ها یک ساختار تألیفی هم‌مرکز است. دایره‌های بیرونی دربردارنده نیایش‌هایی خطاب به اهوره‌مزدا و همه آفریدگان نیک است و در میان آنها متون و نیایش‌هایی درباره بعضی موضوعات خاص هم هست (هوم، اقرار به دین، تفسیرها، سروش، شبان، خانه‌های مزدیسنان، گاهان، اذکار مقدس و ستوت‌یسن، آتش و آب‌ها). بخش مرکزی آشکارا متون اوستای قدیم را شامل می‌شود، که در دو جناح آن

۱. بدین ترتیب جمع پاره‌های این سه بخش ۱۳۴ می‌شود.

۲. نیز ← میرفخرایی، ۱۳۸۶: ۳-۶.

اذکار مقدّس ایستاده‌اند و در قلب آن یسن هفت‌ها. در واقع یسن ۳۶، دومین فصل یسن هفت‌ها، که موضوعش استحالهٔ آتش مراسم نیایش است، مرکز دقیق کلّ ۷۲ فصل یسن‌ها است و بدین ترتیب تأکیدی بر اهمیّت این لحظهٔ حسّاس در کلّ مراسم است. آشکار است که یسن ۳۶ را به‌عمد در مرکز یسنه نهاده‌اند. بنابراین مجموع یسن‌ها را باید طوری کنار هم می‌چیدند که چنین کاری را تسهیل کند. روشی که برای این منظور به کار بسته‌اند، این است که بعضی فقرات یا کلّ بعضی فصل‌ها را تکرار کرده‌اند تا فصول بیشتری را به وجود آورند. مثلاً یسن ۵۹ صرفاً تکرار یسن‌های ۱۷ و ۲۶ است، ... و یسن ۷۲ تقریباً به‌کلی تکرار یسن ۶۱ است.

... تقسیم یسن‌ها به سه بخش (دو بخش به اوستایی جدید در دو سوی بخش میانی به اوستایی قدیم) مبتنی بر زبان این متن‌هاست. در خود اوستا بهرهٔ مرکزی یسن‌ها را ستوت‌یسن (staota yesnya) می‌گویند، که خود اصطلاحی است برگرفته از یسن ۱/۳۰: گاهانی: staotācā ... yesnyācā به معنای «ستایش‌ها و (کلمات یا آیین‌های) پرستش‌آمیز». اما ستوت‌یسن اوستا با این بخش‌بندی مبتنی بر زبان متون مطابق نمی‌افتد، زیرا ستوت‌یسن از یسن ۱۴ شروع می‌شود و به یسن ۵۸ ختم می‌شود. اما اتفاقی نیست که در اینجا نیز یسن ۳۶ دقیقاً در میانه قرار می‌گیرد، و پس و پیش آن ۲۲ فصل می‌ایستند.

البته یسن ۳۶ در صورتی فصل مرکزی ستوت‌یسن است که ستوت‌یسن بخشی از نیایش یسنه باشد. در دورهٔ ساسانی ستوت‌یسن اولین نسک اوستا یا ستوت نسک (stōt nask) بوده است. در اینجا ظاهراً آن را، به خلاف ۴۵ فصلی که در نیایش یسنه می‌خوانند، شامل ۳۳ فصل می‌دانسته‌اند. آشکار است که بعضی از فصول ستوت‌یسن در مجموعهٔ یسن‌های موجود از نسک‌های دیگر قرض گرفته شده است. فی‌المثل یسن‌های ۱۹ تا ۲۱، که تفاسیر سه ذکر مقدس مشهورند، در اصل فصول آغازین یک متن تفسیری بیست و دو فصلی (یا بنا بر روایات فارسی بیست و یک فصلی) بوده‌اند و در دورهٔ ساسانی نسک چهارم اوستا، یعنی بغ نسک یا بی نسک (Bay Nask) را می‌ساخته‌اند. فصول چهارم تا بیست و دوم این نسک از میان رفته است و تنها سه فصل آغازین بر جای مانده است، آن هم به این دلیل که از یک زمانی این سه فصل را به‌عنوان فصول ۱۹ تا ۲۱ در متن یسن‌ها گنجانیده‌اند.»

کمیت خلاصه‌ای که برای نسک‌های مختلف ارائه شده، یکسان نیست. نسک‌های گاهانیک خلاصه بسیار کوتاهی دارند، نسک‌های هادگ‌مانسریگ اندکی بیشتر ولی بسیار ناکافی، و تنها خلاصه نسک‌های دادیک، به‌ویژه چهار نسک حقوقی آن، از این لحاظ وضع بهتری دارند. این نشان می‌دهد که آذرباد امیدان دیگر قصد نداشته به محتوای نسک‌های دادیک در جای دیگر بپردازد، ولی برای دیگر نسک‌ها قضیه متفاوت بوده است. وی با شرح سه نسک گاهانیک در کتاب نهم دینکرد نشان داده است که معرفی بیشتر و مشروح‌تر نسک‌های غیردادیک را مد نظر داشته، ولی معلوم نیست که چرا تنها آن سه نسک را بررسی کرده است. آیا این کار بزرگ را ادامه داده بوده، ولی تنها این سه باقی مانده‌اند؟

بیشتر حجم کتاب هشتم دینکرد، تلخیصی از نسک‌های دادیک اوستاست. ماریا ماتسوخ که به‌طور تخصصی در زمینه متون حقوقی پهلوی مطالعه می‌کند، یافته‌های بسیار عالمانه و ارزشمندی در این زمینه دارد. وی در این باره می‌نویسد (Macuch, 2002: 78-79): «... نسک‌های دادیک یک‌سوم اوستای اصلی را تشکیل می‌دهد. اکنون تنها یک‌چهارم از آن اوستا باقی مانده، که دربردارنده متونی است که از نظر انجام آیین‌های دینی حائز اهمیت بوده‌اند. غیر از بخش‌های کوتاهی از وندیداد و هیریدستان و نیرنگستان، خلاصه‌ای که از نسک‌های دادیک در کتاب هشتم دینکرد باقی مانده است مهمترین منبع در شناخت قانون زردشتی دوره پیش از ساسانی است. این اثر دربردارنده لایه‌های متفاوتی از اعصار مختلف است؛ از اوضاع اولیه منعکس شده در متون اوستایی گرفته (غیر قابل تاریخگذاری دقیق) تا زند پهلوی دوره ساسانیان که در نوشته‌های دینی اوایل دوره اسلامی نمودار شده است. اطلاعات این دوره‌های زمانی مختلف به‌طور غیرقابل تفکیک در هم تنیده شده است، و دریافتن دوره‌ای که هر داده خاص پا گرفته از کدام دوره است بی‌نهایت دشوار است. گرچه در کتاب هشتم دینکرد ذکر مطالب به ترتیب تاریخ نیامده است، باید سه دوره را در رابطه با نسک‌های دادیک مشخص و متمایز کرد». وی این سه دوره را چنین برمی‌شمرد (Macuch, 2007: 156-157): «(۱) کهن‌ترین لایه نمایانگر دوره‌ای است که در آن کتاب‌های اوستایی تألیف شده‌اند؛ کتاب‌هایی که اساس نسک‌های دادیک هستند. متأسفانه هیچ دسترسی مستقیمی به این منابع نداریم (جز بخش‌های کوتاهی از وندیداد و هیریدستان و

نیرنگستان)، چون مؤلف دینکرد هشتم، چنانکه خود تصریح کرده است، متن زند را مبنای کار قرار داده است نه متن اوستایی را، زیرا در هنگام تألیف این اثر دانش موبدان از زبان اوستایی اندک بوده است. با این حال، در این وضعیت دشوار هم می‌توان به نتایجی از تاریخ و توسعه قانون زردشتی از قدیم‌ترین اعصار — منعکس‌شده در مقررات نسبتاً ساده منابع اوستایی — تا احکام پیچیده دوره ساسانی دست یافت. (۲) دومین لایه نمایانگر متون مقدس کاربردی در دوره ساسانیان است طبق زند پهلوی سده‌های چهارم تا ششم میلادی، چون مؤلف میان ترجمه صرف متن اوستایی و تفسیر آن در شرح پهلوی (هر دو زند شمرده می‌شوند) تمایز قائل نشده است. شارحان و مفسران پهلوی قدیمی‌تر — تا آنجا که از متون زند موجود می‌دانیم — مقید به فهم درست متن اوستایی نبوده‌اند، بلکه می‌کوشیدند ترجمه‌های ناقص اوستا به پهلوی را به شرایط زمانی ساسانیان مرتبط سازند. به دیگر سخن، قوانین لازم‌الاجرا با عصر سراپا تغییر یافته‌ای که تفاسیر پهلوی در آن نوشته شدند تطبیق داده شدند. ساختار اجتماعی جامعه ایران در درازای زمان طولانی بین تألیف متون دادیک اوستایی و تفاسیر پهلوی کاملاً متحول شده بود، از این رو یکی از وظایف اصلی مفسران تطبیق مطالب مربوط به قانون موجود در متون اوستایی با نیازهای زمانه خود بود. این امر به‌ویژه با بهره‌گیری از واژگان حقوقی خاصی آشکار می‌شود که در زمان ساسانیان ساخته شده‌اند و قطعاً در متون اوستایی یا ترجمه‌های آنها وجود نداشته‌اند، بلکه تنها در تفاسیر موجود بوده‌اند. گرچه در متن [دینکرد هشتم] تمایزی میان ترجمه و تفسیر وجود ندارد، با این حال هنوز در مواردی تشخیص این دو از هم — بر پایه واژه‌های به‌کار رفته توسط مؤلف — امکان‌پذیر است. (۳) سومین دوره‌ای که شاید اثری از خود در دینکرد هشتم بر جای نهاده باشد، آغاز دوره اسلامی است که دینکرد در آن تألیف شده است. گرچه برشمارش نسک‌ها بر پایه متون قدیم‌تر با هدف نشان دادن سنت مزدایی باستان به زمان ساسانیان برمی‌گردد، این احتمال را نمی‌توان از نظر دور داشت که گزینش درونمایه‌ها و رویکرد عموماً دینی به بخش‌های دادیک تحت تأثیر دگرش‌ها و تغییرات بنیادینی بوده است که پس از اسلامی‌سازی ایران رخ داد. دیگر به قانون زردشتی در چارچوب یک حکومت مرکزی عمل نمی‌شده است، و باید به اصطلاحات قضایی و بندهای فقهی-حقوقی تفسیر پهلوی که دیگر به درستی فهمیده نمی‌شدند توجه کرد.»

وی در همین مقاله (Ibid: 151) و نیز در مقاله‌های دیگر خاطرنشان کرده است (Macuch, 2002: 79-80): «کار بر متون حقوقی دینکرد هشتم افزون بر بازساخت این سه لایه، دشواری‌های دیگری نیز دارد. مؤلف این کتاب غالباً توضیحی درباره اصطلاحات فقهی و حقوقی ارائه نمی‌دهد، چون اصطلاحاتی که هنوز در سده نهم میلادی شناخته شده بودند نیاز به توضیح نداشتند. از دیگر سو، شرح اظهارات مبهم و معماگونه از توانایی او خارج بوده است. به علاوه، متنی که واژه‌های حقوقی در آن به کار رفته است — به خاطر ویژگی تلخیص متن بودن — غالباً بسیار کوتاه‌تر از آن است که مجال برداشت و تفسیر قابل‌اعتماد را بدهد. با در نظر گرفتن شیوه نگارش دشوار دینکرد و عبارت‌پردازی‌های غالباً مبهم، شگفت نیست که پس از ویرایش‌های غیرقابل اعتماد وست و سنجانا هیچ کوششی برای ترجمه و تفسیر نسک‌های دادیک در این منبع مهم انجام نگرفته است.»

### نسخه‌های موجود از کتاب هشتم دینکرد

متن کتاب هشتم دینکرد در سه نسخه دستنویس و دو نسخه چاپی در دسترس است.<sup>۱</sup>

۱. دستنویس B: کامل‌ترین و کهن‌ترین نسخه دینکرد است. همه نسخه‌های موجود مستقیم یا غیرمستقیم از این نسخه رونوشت شده‌اند.<sup>۱</sup> اکنون در مؤسسه شرقی کاما در بمبئی نگهداری می‌شود. انجامه‌های مربوط به این دستنویس تاریخ کتابت متن را نشان می‌دهند. نخستین انجامه را ماه‌ونداد پسر نرمه پسر وهرام مهراب در روز دین ماه تیر سال ۳۶۹ یزدگردی برابر با دوم جولای ۱۰۲۰ میلادی (۴۱۱ هجری قمری) در بغداد نوشته است. انجامه دوم را شهریار پسر اردشیر نوشته است در روز اهرمزد ماه سپندارمذ سال ۸۶۵ یزدگردی برابر با سوم اکتبر ۱۵۱۶ میلادی (۹۲۱ هجری قمری) از روی نسخه‌ای که مرزبان پسر اسفندیار نوشته است در تاریخ تقریبی ۷۰۷ یزدگردی برابر با ۱۳۳۸ میلادی (۷۳۸ هجری قمری). گرچه این واپسین انجامه‌ای است که در نسخه B موجود است، اما کاتب دستنویس موجود نیز انجامه‌ای نوشته بوده است که در رونوشت‌های برگرفته از این نسخه موجود است. این سومین انجامه را ماه‌ونداد پسر وهرام در روز آبان از ماه خرداد ۱۰۰۹ یزدگردی برابر با ۲۱ دسامبر ۱۶۵۹ میلادی

۱. به جز نسخه K43 که رونوشت از نسخه DH است.